

ژورنال

شماره ۹۸۴

۱۱ مارس ۲۰۲۵ - ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

اعترافات رفیق دوست، اعتراف رژیم اسلامی به شکست

سیاوش آذری

تحصن اجاره‌ای در حمایت از حجاب اجباری

میلاذ رابعی

شکایت از پرویز ثابتی: نه فراموش کرده‌ایم و نه می‌بخشیم

گفتگو با سیما بهاری

اعتراض دیپلماتیک یا بایکوت سیاسی؟

حسن صالحی

اعترافات رفیق دوست،

اعتراف رژیم اسلامی به شکست

سیاوش آذری

در پی انتشار اعترافات محسن رفیق دوست در رابطه با نقش مستقیم رژیم در عملیات تروریستی برون مرزی و ترور مخالفان جمهوری اسلامی دفتر او اعلام کرد که وی در سالیان گذشته "جراحی مغز با عوارض گسترده" داشته و سخنانش غیر قابل استناد است. از دیگر سو، احمد بخشایش اردستانی، از اعضای کمیسیون امنیت ملی، گفت: "آقای رفیق دوست این سخنان را در وقت بدی بیان کرده است؛ چون ایشان وزیر دفاع بوده، خارجی‌ها این را به عنوان یک گزاره صحیح" یعنی به معنی اعتراف رسمی در نظر می‌گیرند. وی همچنین گفته که رفیق دوست این

سخنان را به‌عنوان نشانه قدرت رژیم بیان کرده و اضافه کرده: ”ما از خارج ضربه نمی‌خوریم، ما از داخل ضربه می‌خوریم... اگر ضربه‌ای بخوریم، از داخل است. به‌خاطر معیشت مردم، به‌خاطر تفاوت دیدگاه بین مسئولین و مردم، به‌خاطر اختلاف طبقاتی، تبعیض، معیشت“.

این ضدونقیض گویی‌های سران و مسئولان ریزودرشت رژیم نشان‌دهنده حال زار و درماندگی حکومت و اعتراف به شکست است. از یک سو کتمان می‌کنند و به یکدیگر نهیب می‌زنند؛ زیرا در پی تارومار شدن ”محور مقاومت“ و عیان شدن پوشالی بودن رجزخوانی‌های رژیم، دست‌اندرکاران حکومت در تلاش در چراغ‌سبز نشان دادن به آمریکا و غرب برای مذاکره و مصالحه و سرکشیدن جام زهر به شیوه‌ای

“آبرومندانه” هستند. در چنین شرایطی اعترافاتی از این دست موقعیت حکومت در مذاکرات محتمل با قدرت‌های غربی را ضعیف‌تر کرده و قدرت مانور رژیم در این مذاکرات را بیش‌ازپیش کاهش خواهد داد.

اما نکته مهم‌تر اعتراف به شکنندگی موقعیت رژیم اسلامی در تقابل با “دشمن داخلی”، یعنی مردم جان‌به‌لب‌رسیده از فقر و فلاکت اقتصادی، دیکتاتوری اسلامی و نبود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی که انقلاب زن‌زندگی آزادی را رقم زدند و مترصد به زیر کشیدن حکومت الله هستند، است. رژیم می‌تواند به امامزاده مذاکره با غرب و مصالحه و تسلیم دخیل ببندد و در انتظار معجزه نجات باشد؛ اما حتی نزول خود جناب الله بر زمین و ظهور او در تهران قادر به

مهار سیل خروشان انقلاب مردم نخواهد شد و همراه
با نمایندگان دنیوی‌اش به زباله‌دان تاریخ خواهد
پیوست. حضرات درست می‌فرمایند: دشمنشان
همین جاست و کارشان را در زمین داخل یکسره
خواهد کرد.

تحصن اجاره‌ای در حمایت از حجاب اجباری

میلاذ رابعی

نماینده کاشمر در مجلس اسلامی مدعی شد کسانی که روبروی درب مجلس در حمایت از حجاب اجباری تحصن کرده‌اند، بابت این کار پول دریافت کرده‌اند. این تجمع پیش از اظهار نظر جناب "نماینده" هم به اندازه کافی اسباب آبروریزی رژیم بود. تعداد انگشت‌شمار زنانی که با ماسک و سایر وسایل صورت‌هایشان را پوشانده بودند و حضور آخوندی که میانه‌دار این لشکر شکست‌خورده بود هر ناظری را متوجه اوضاع وخیم رژیم و هوادارانش می‌کرد. حالا هم که کاشف به عمل آمده همان تعداد محدود هم "هوادار" رژیم نیستند و با دریافت پول حاضر به

انجام این کار شده‌اند. نمایش چنان مضحک است که صدای خودشان هم درآمده است.

این تصویر حاکی از اوج درماندگی و استیصال رژیم است که از نظر ایدئولوژیک مدت‌ها است کاملاً پایه مردمی خود را از دست داده است و توان بسیج نیرو را حتی برای همین نوع حرکات را هم ندارد. وضعیت کنونی رژیم روشن‌ترین و واضح‌ترین شکل عملی واژه شکست سیاسی است. شکستی بزرگ در تمام زمینه‌ها و ارکان سیاست و اقتصاد. حتی منفورترین دیکتاتوری‌ها پس از سقوط، اقبال بیشتری میان بخش‌های ناچیزی از مردم دارند تا این نظام "مستقر". حکومت اسلامی نه به لحاظ سیاسی و نه از نظر ارزشی نماینده هیچ بخشی از جامعه نیست. تنها نماینده همان اقلیت حاکم یعنی سران فی‌الحال در

قدرت و یک قشر کوچک مفتخور خارج از حاکمیت است. حتی رؤسای جمهور و مقامات سابق همین نظام کنار گذاشته شده‌اند. این جرگه در قدرت از نظر کمی هر روز در حال آب رفتن است و این عارضه به تنهایی برای سقوط هر حکومتی کافی است.

شرایط امروز رژیم از هر زمان دیگری وخیم‌تر است و به همین نسبت سقوطش محتوم‌تر و نزدیک‌تر. حکومت امروز حتی توان از سر گذراندن ضربه‌ای مانند ۱۴۰۱ را ندارد حال آنکه تردیدی نیست ضربه بعدی مردم بدون تردید و طبق تجربه به مراتب محکم‌تر و قاطع‌تر خواهد بود.

در این فاصله زمانی اتفاقات بسیار مهم و تعیین کننده‌ای رخ داده است. اعدام‌ها و سرکوب‌هایی که نتوانست

جامعه را عقب براند، بر عزم مردم هزار بار افزوده است.

مثل همیشه آنچه باید در شرایط کنونی مورد توجه اکید مردم و فعالین قرار گیرد موضوع حیاتی تشکل و سازمان‌یابی است. اتحاد همه مردم علیه همان دایره تنگ‌ترشونده قدرت که بالاتر اشاره شد. پایان کرکسان اسلامی نزدیک است.

شکایت از پرویز ثابتی:

نه فراموش کرده‌ایم و نه می‌بخشیم

گفتگو با سیما بهاری

سوسن صابری: به دنبال شکایت سه زندانی سیاسی دوران محمدرضا پهلوی از پرویز ثابتی، رئیس ادارهٔ سوم ساواک، صدها زندانی سیاسی دیگر آن دوران طی بیانیه‌ای از خواست آن سه زندانی مبنی بر محاکمهٔ ثابتی حمایت کردند. شما یکی از امضاکنندگان این بیانیه هستید. کمی در بارهٔ تجربه خودتان برای خوانندگان ژورنال بگوئید و اینکه چه هدفی را از امضای این بیانیه دنبال می‌کنید؟

سیما بهاری: پرویز ثابتی در سال‌های ۵۲ تا ۵۷ در رأس ادارهٔ سوم ساواک یعنی مهم‌ترین و مقتدرترین بخش یک سازمان مخوف امنیتی در یک حکومت توتالیتر و سرکوبگر بود. او طراح و مجری شکنجه سیستماتیک در دههٔ پایانی رژیم پهلوی بود. فکر کنم مردم کم‌وبیش نقش و جایگاه ثابتی را در رژیم شاه می‌دانند. این چند سطر را برای نسل جوانی نوشتم که احیاناً از ساواک چیز زیادی نمی‌دانند.

وقتی من دستگیر شدم ۱۸ یا ۱۹ سال داشتم. تازه با یک گروه مارکسیست دانشجویی آشنا شده بودم. مدرک جرمی که ساواک از خانهام ضبط کرد کتاب "خوشه‌های خشم" بود. ساواک ترس ایجاد می‌کرد. هر حرکتی را سعی می‌کردند در نطفه خفه کنند. اینها با مهندسی امثال ثابتی

طراحی می‌شد. آن زمان من به‌عنوان یک جوان می‌خواستم هر چیز تازه‌ای را تجربه کنم. ساواک امکان کنجکاوی را از ما می‌گرفت. باید دائماً روابطمان را چک می‌کردیم که مبادا ساواک بینمان نفوذ کند. دو ماه در انفرادی بودم. در این دو ماه اجازه ملاقات نداشتم. دو ماه نوار بهداشتی به من ندادند. با بازجوهای روبرو شدم که علاوه بر نگاه‌های جنسیتی از هر فرصتی برای لمس بدن زندانیان استفاده می‌کردند. زندان، زندان است و محدودیت. اما بدترین چیز این است که نمی‌دانی دقیقاً چرا اینجایی؟

ثابتی قبل از سرنگونی شاه به خارج گریخت. زندگی بی‌سروصدا و دور از انظار عمومی را گذراند. انقلاب زن زندگی آزادی که شروع شد، از سوراخ

خود بیرون خزید. لابد فکر می کرد حجم جنایات جمهوری اسلامی آن قدر زیاد است که اجازه پیدا کند آفتابی شود و بی خجالت عکس بگیرد. در خیالات خودش فکر کرده که دوباره قدرت را می گیرند و آن وقت بقایای هم پالکی های خودش را جمع کرده و با کمک عناصری از ساواما و سپاه، آنها که مورد تأیید شاهزاده هستند، دوباره کاروکاسبی گذشته را با تجربیات زیادتر و ارزنده تر بکار گرفته و دوباره بگیرد و شکنجه کند و مخالفین را سر جایشان بنشانند.

من می خواهم جزئی از آن نیرویی باشم که بگویم اگر بعد از انقلاب ۵۷ رژیم تازه به قدرت رسیده از بقایای شما استفاده کرد، و با استفاده از تجربه شماها شکنجه و کشتار کرد، ما اجازه نمی دهیم

تاریخ تکرار شود. جنایات بی‌شمار جمهوری اسلامی به شما ساواکی‌ها و شکنجه‌گران این حق را نمی‌دهد که این چنین وقیح بیرون بیایید و فکر کنید می‌توانید سوار انقلاب شوید. جنایت علیه نسل ما شامل مرور زمان نمی‌شود. ما یادمان نرفته و نبخشیده‌ایم.

سوسن صابری: به نظر شما محاکمه ثابتی در دادگاه و افشای جنایات سازمان امنیت حکومت پهلوی چه تأثیری در آگاهی بیشتر مردم بخصوص نسل جوانی که دوران پهلوی را ندیده‌اند می‌تواند داشته باشد؟

سیما بهاری: همانطور که گفتم جنایات ساواک شامل مرور زمان نمی‌شود. ما تاریخ را زنده نگه

می‌داریم. من درود می‌فرستم به آن سه زندانی سیاسی دوران شاه که از ثابتی شکایت کردند و این پرونده را باز کردند. با طرح این شکایت نسل جوان می‌بیند که ثابتی با حمید نوری تفاوتی ندارد. مدافعان سلطنت سعی می‌کنند تصویری از آن دوران بدهند که همه جا گل و بلبل بود. آنها از حلبی‌آبادها و از خانه‌های گلی و بی امکانات و از مدارس روستاها و از کودکان کار و دختران خردسال قالیباف و... نمی‌گویند. نسل جوان می‌بیند که ما هم حق داشتیم ساواک و شاه نخواهیم. ما هم از تبعیض و اختناق خسته بودیم و می‌خواستیم مثل آدم زندگی کنیم. درست مثل جوانان امروز و این آگاهی و شناخت طبعاً در انتخاب امروز و آینده این نسل مؤثر خواهد بود.

اعتراض دیپلماتیک یا بایکوت سیاسی؟

حسن صالحی

روز دوشنبه ۲۰ اسفند، وزارت خارجه جمهوری اسلامی سفیر سوئد در تهران را در واکنش به اظهارات وزیر آموزش و پرورش این کشور علیه جمهوری اسلامی احضار کرد. یوهان پرشون، وزیر آموزش سوئد، حدود دو هفته پیش در گفت‌وگویی با روزنامه اکسپرسن، حکومت ایران را به زن‌ستیزی و یهودی‌ستیزی متهم کرده و آن را "یاغی" خوانده بود. اما این اقدام دلایل دیگری نیز داشت.

چند روز پیش‌ازاین اتفاق، وزارت خارجه سوئد سفیر جمهوری اسلامی را در اعتراض به وضعیت

بحرانی احمد رضا جلالی، پژوهشگر ایرانی - سوئدی
محکوم به اعدام، احضار کرد و خواستار آزادی او
به دلایل بشردوستانه شد. این اقدام مورد استقبال
همسر جلالی، ویدا مهران‌نیا، قرار گرفت.

سیاست‌های مداخلات جویانه دولت سوئد طی
سال‌های گذشته به جمهوری اسلامی اجازه داده بود
که با ایجاد مراکز اسلامی مانند مسجد امام علی
در استکهلم و حتی اجیرکردن گروه‌های تبهکار،
فعالیت‌های خود را در اروپا گسترش دهد. نفوذ
عوامل جمهوری اسلامی، از جمله افرادی مانند
روزبه پارسی در وزارت خارجه سوئد، نشان‌دهنده
عمق این روابط بود.

با این حال، در ماه‌های اخیر دولت سوئد رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کرده است. نمونه‌ای از این تغییر سیاست، بازداشت و صدور حکم اخراج محسن حکیم‌الهی، رئیس مرکز اسلامی امام علی در استکهلم، در بهمن‌ماه بود.

ما بارها در مذاکرات خود با مقامات وزارت خارجه سوئد، چه از سوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام و چه نهادهای دیگر، تأکید کرده‌ایم که ادامه روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی تنها به آن مشروعیت می‌بخشد و فعالیت‌های تروریستی‌اش را تقویت می‌کند. ما خواهان بایکوت سیاسی این رژیم بوده‌ایم، همان‌سیاستی که علیه حکومت

آپارتاید آفریقای جنوبی اجرا شد. یک سیاست واحد در اتحادیه اروپا می‌تواند جمهوری اسلامی را به‌زانو درآورد و به آزادی گروگان‌های دو تابعیتی کمک کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال